

پژوهش های

ایــــــران شنــــــاسی

پـرســش و پــاســـخ

پیرامون پیشینه ی تاریـخی فرهنگی تمـدنی ایران

******

مجموعه مقالات وبگاه ایران شنــاسی

ایران ستیزی و تازی زدگی

www.iranologi.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

سال های

۱۳۹۲-۱۳۸۶

نوشته ی دکترمحمودرضاافتخارزاده

******

ایران ستیزی تازیان و تـــــــازی زدگـــی ایرانیان!

پرسش:

قربان وجود ذیجود مبارک گردم . فدوی را ارادتی حاصل آمد و دلباخته این ژرف بینی تاریخی و فصاحت و بلاغت کلام و قلم گردیدم . چنین به خاطر آمد که گویا می فرمایید «علمای شیعه» را چنین تازی گرایی یا تازی زدگی نبوده و آنان بر «هویت ایرانی» شان تاکید داشته اند ! ایا در میان جماعت شیعه امامی چنین کسانی نبوده اند ؟

پاسخ:

نخست باید بدانید که «تسنن» در ذات یا سرشت خود ، فکر و فرهنگ» عربیت «را نمایندگی می کند و هرکس که مذهبی از مذاهب چهارگانه سنت و جماعت را داشته باشد،خواه ناخواه به فکر و فرهنگ تازی، تعلق خاطر دارد و با فرهنگ و هویت ملی و قومی خویش بیگانه است !« تسنن» تجلی گونه ای از«تازیسم»یا«پان عربیسم» است که در ذات خود «قومیت عربی» را می پرورد و پیروان را استحاله فطری و ملی می کند ! در حالی که «تشیع امامیه»این ویژگی را ندارد.(ن.ک : فهرست آثار: اسلام و ایران) **.با این وجود ، در برخی مشایخ «تشیع امامیه» نیز گاه «تازی زدگی» مفرط مشاهده شده و می شود که دست کمی از تسنن ندارد ! در اینجا سزد که به خاطره ای از مرحوم علامه ی روزگار و خداوندگار ادب پارسی حضرت مَلکُ الشُّعرای بهار(** که بر او درودباد) **به قلم خود آن بزرگوار توجه کنیم که نشان از ستیز دیرین تازیان با ایران و فرهنگ ایرانی و تازی زدگی ایرانیان دارد:** «..... **پدرم مرا درکربلا به مکتب گذاشت . اخوند ما یک سید عرب بود . یک روز من یک قلم ایرانی که خیلی رنگین و محکم و مستقیم بود و پدرم به من داده بود ، دست گرفته ، افتخار می کردم که چنین قلمی در عربستان نیست و مختصّ عجم است ! آخوند ما با آن هیکل و وقار ، خجالت نکشیده فقط محض تعصب عربی و عجمی ، قلم عزیز مرا ازدست من گرفت و به طور وحشیانه گفت : قلم ایرانی را باید شکست ! بلی ! قلم را شکسته میان صحن حسینی پرت کرد ! این عرب خوب بود که فقط قلم مرا شکست وخود مرا نظر به تعصب عربی نکشت!! ولی سایرعربان وحشی ، اگر دست**

شان برسد پوست عجم را می خواهند بکنند! چنان که در راه حجاز معمول است و همه شنیده اند که این عرب های ... و... برهنه با عجم ها چه می کنند! و این حالت و رای ، حالت شیعه و سنی نیست[۱] که از مستحدثاتِ قرون اخیره باشد بلکه از همان صدر اسلام این تعصب را طبیعتِ غالبیت برای عربان تهیه کرد و عجم ها مغلوب عرب ها بوده اند ! و از زمان تجدید سلطنت ایرانی و آمدن دیالمه در دیار عربان و تسلط های فوق العاده ای که عضدالدوله و غیره که برعربان و بزرگ آنان که خلفای عباسی بوده اند داشته اند مزید و شدید شده است و رفته رفته در زمان سلطنت هلاکوخان و کشته شدن مسعتصم[۲] و آمدن امیر تیمور و خرابی شام و آمدن صفویه و قبضه کردن بر عراق عرب و آمدن نادر شاه و غیره این تعصب شدیدتر شده! عجیب اینجاست که اهل عراق عرب غالبا بلکه می توان گفت کلیه ، عجم اند و معرب شده اند و باز به خوبی عربان تربیت شده با هم وطنان خودشان ضدیت می ورزند! " (نک :زندگی نامه ی بهار به قلم خودش در http://www.bahar-site.fr/index.htm:وبرای دریافت شرح اشارات تاریخی مرحوم علامه ی بهار به کتاب من : « شعوبیه ؛ نهضت مقاومت ملی ایران» (چاپ ۱۳۷۱تهران) و نوشتارهای زیر در همین وبگاه بنگرید !

خواجه نظام ، غزالی ، راوندی و...

پرسش:

درود . نکته بدیعی در مورد«بیرونی» فرمودید ! نظر مبارک در باره خواجه نظام الملک ، محمد غزالی ، راوندی ، بخاری ، طبری و... دیگر دانشمندان ایرانی سنی مذهب چیست ؟

پاسخ:

ان گونه که در پاسخ پیشین گفتم آنان که مذهب سنت و جماعت داشتند ، تازی گرا بودند و به عربیت تعلق خاطر داشتند و در فضیلت زبان و فرهنگ تازی سخت می کوشیدند و در سرسپردگی به خلافت و سلطنت عربی ، اخلاص داشتند . «خواجه نظام» چیزی شبیه «ملاعمرافغانی» بود که در وفاداری به فرهنگ تازی و در سرسپردگی به سلطنت سنی بی مانند بود و هرچه توانست در تحریف میراث و مفاخر ملی ایران کوشید و از هیچ تهمت و دشنامی در حق ایران باستان کوتاهی نکرد . کتاب «سیاست نامه» او در واقع «دروغ نامه» و «دشنام نامه» ای است علیه مواریث و مفاخر ملی ایران . خواجه نظام در قتل عام نهضت های مقاومت ملی ایران علیه خلافت تازی و سلطنت سلجوقی سخت کوشا بود و در این راه جان باخت ! «غزالی» نیز که مذهب سنت و جماعت داشت در

سرسپردگی به تازیان و فرهنگ تازی سر از پا نمی شناخت و تا آنجا پیش رفت که «یزید پسر معاویه» را از قتل امامحسین (ع)**تبرئه کرد و فتوی فرمود که لعن بر یزید جایز نیست!** (ن. ک : فهرست آثار / مباهله در مدینه) **. «راوندی» نیز در تازی گرایی و سلجوقی پرستی بی مانند بود . کتاب» راحهٔ الصّدور «او دشنام نامه ای است علیه نهضت های مقاومت ملی ایران و تایید قتل عام رجال مقاومت ملی ایران است ! «بخاری» موبد زاده ای بود که دچار دگردیسی شگفتی شد و از بیخ و بن استحاله و تازی ماب گردید و بکلی با فرهنگ و هویت ملی خویش بیگانه شد . «تبری»**(= طبری) **نیز چنین وضعی داشت هرچند که او «مورخ» است ولی «مفسر» نیز هست و گرایش های تازی مابانه ی او در تاریخ و تفسیر مشهود است!**

ابـــــوریحـــــــان بیـــــــرونــــــــی!

پرسش:

سلام . نظر شما درباره ی ابوریحان بیرونی چیست ؟ آیا بیرونی از ایران هویت گرفته یا از اسلام ؟ اثار او به کدام یک از این دو هویت گرایش دارد ؟

پاسخ:

ابوریحان بیرونی دانشمند نامی ایرانی را گرامی می داریم و آثار گرانقدر او را ارج می نهیم . بیرونی مانند بسیاری از دانشمندان ایرانی که مذهب سنت و جماعت داشته اند ، تازی گرا بود و از اسلام عربی کسب هویت کرده و در آثارش بر هویت اسلام عربی تاکید ورزیده و با «نهضت مقاومت ملی ایران» (=شعوبیه)سخت ستیزیده و نسبت به«میراث ملی ایران »کم لطفی کرده است . این حقایق را در آثارالباقیه می توان دید به ویژه آنجا که می گوید: « ... ونیزمانند مجوس که گفته اند از نجاست مشتق است و مثل این است که کلمه___" نجوس "بوده، نون چنان که درغیم وغین و ایم و این به میم تبدیل می شود در اینجا نیز تبدیل شده» نک : آثار الباقیه ۵۵۰ **.یا آنجا که رجال نهضت مقاومت ملی ایران =)شعوبیه (رابه نقد و نفی می کشد می گوید : « جمعی از دشمنان اسلام چون نتوانستند صریحا و آشکارا به مخالفت با این دین برخیزند ، پیامبران را در ظاهر تصدیق کرده ولی در باطن منکر شدند و زمانی که به اصلاح دین می کوشیدند در حقیقت در پی افساد و تخریب آن بوده اند... آنان که امید داشتند دولت و حکومت از عرب برگردد ...** » نک : آثارالباقیه۵۴۵ ، ۵۴۷.



اَلـدِّراســاتُ الايــــرانيِّـــة

اَسْــئلة و اَجْــوبَـــة

حَوْلَ خَلْفيّةِ ايرانَ اَلتّاريخيّة والثّقافيّة والْحضاريّة

للباحث و الكاتب الايرانى

الدكتورمحمودرضاافتخارزاده

****

IRANOLOGY

QUESTION & ANSWER

About historical , cultural & civilizational background of Iran

www.iranologi.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

BY

DR.M.R.EFTEKHARZADEH